

روند بحران کرکوک در تحولات سیاسی منطقه و سناریوهای آتی

احمد نقیب‌زاده^۱

استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد کاک‌حمد

دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۸/۲۸)

چکیده

شهر کرکوک واقع در کردستان عراق به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه یکی از عوامل اصلی ظهور بحران‌ها و چالش‌های مابین اقلیم کردستان، عراق و منطقه در صد سال اخیر بوده است. در خصوص اهمیت این مکان جغرافیایی می‌توان به نفت خیز بودن این شهر، تنوعات قومی-مذهبی و دعاوی ارضی و قومی تاریخی بر سر آن اشاره کرد که امکان ظهور و بروز تنش را در منطقه مدام زنده نگه داشته است. این وضعیت کرکوک را از یک مسئله به بحران ملی و بین‌المللی مبدل ساخته است. این نوشتار بر آن است، ضمن توصیف مختصر مختصات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی کرکوک و چگونگی ظهور بحران آن و تنازعات قومی-ژئوپلیتیکی بر سر آن، تبیین و تحلیل کند که این بحران در دوره نظام فدرال عراق چه مراحل را تجربه کرده است و مسیر احتمالی در رابطه با تحولات ژئوپلیتیکی منطقه آن چگونه خواهد بود. پرسش مطرح این است که تأثیر و تأثر بحران کرکوک در تحولات عراق و منطقه و سناریوهای آتی چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه نمایان می‌شود که بحران کرکوک تحولات عراق و منطقه را تحت تأثیر قرار داده و اکنون نظام فدرال عراق را با شکاف‌های عمیق‌تر از گذشته روبه‌رو کرده است و این بحران بالفعل با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از تحولات منطقه استعداد بالقوه تغییرات ژئوپلیتیکی را در بردارد. این وضعیت رابطه دولت عراق را با اقلیم کردستان، آسیب‌پذیر و شکننده کرده و آینده کرکوک را در ابهام فرو برده که سناریوهای متعددی برای آینده کرکوک متصور است. یافته‌ها چندین احتمال را جهت حل منازعه ارائه داده است. لیکن گروه‌ها در خصوص بیشتر سناریوها اجماع نظر ندارند و احتمال اینکه این بحران حادث‌تر شود و نظام فدرال از هم بپاشد و در نهایت وضعیت جدید ژئوپلیتیکی را وضع کند، دور از انتظار نیست. مقاله حاضر در چهار بخش تدوین شده است؛ بخش اول تلفیق نظریه ژئوپلیتیک و منازعه، بخش دوم ویژگی‌های عمومی کرکوک، بخش سوم سیر بحران در تحولات جدید و نقش بازیگران دخیل و در نهایت در بخش چهارم احتمالات پیش‌رو و راهکار حل منازعه بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی

اقلیم کردستان، بحران کرکوک، تحولات ژئوپلیتیکی منازعه.

مقدمه

کرکوک از مناطق استراتژیک و مسئله‌ساز مابین عراق و اقلیم کردستان است و منابع چشمگیر نفتی دارد. این امر منشأ اختلافات اراضی و شکاف‌های قومی و مذهبی در این شهر است. به‌طوری‌که نیروهای داخلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را در جهت کسب بیشترین سهم در آن، در مقابل هم قرار داده است. با توجه به اینکه از لحاظ جغرافیایی و تاریخی مرزهای طبیعی بین کردستان و اعراب مشخص است، اما نفت‌خیز بودن این منطقه موجب منازعه طولانی و جنگ‌های مدیدی میان کردها و اعراب شده و مرزهای طبیعی بین این دو ملت را ناپایدار و مصنوعی کرده است. علاوه بر این، یکی دیگر از گروه‌های نزاع ترکمان‌ها هستند که به‌هنگام ضعف دولت عراق با حمایت دولت ترکیه ادعای اراضی بر این شهر دارند. در این زمینه در دوره عثمانی تا تشکیل دولت عراق این منطقه شاهد تغییرات و مهندسی دموگرافی بوده است. با روی کار آمدن رژیم بعث و تأکید ویژه آن بر اجرای سیاست‌های عربیزاسیون و کردزدایی، مشکلات موجود در مناطق نفت‌خیز عمیق‌تر شد و خاصه بحران کرکوک ابعاد پیچیده‌تری به خود گرفت. پس از سقوط رژیم بعث این وضعیت آستن بحران جدیدتری در عراق بود، هرچند در اوایل بحران مذکور پا به مرحله نوبنی، یعنی مذاکره برای حل تنازع و حقوقی شدن راه چاره، نهاد. لیکن پس از ناکامی حل قانونی نشانه‌های جنگ میان اقلیم کردستان و عراق دوباره هویدا شد. در پس تحولات منطقه و در پی آن وجود داعش و اشغال بخش‌هایی از عراق، کردها بر کرکوک استیلا یافتند و آن را قلب کردستان یا به‌عبارت ژئوپلیتیکی آن را هارتلند کردستان خواندند. پس از برگزاری فرماندوم استقلال نیروهای شیعی بر کرکوک چیره شدند و این اوضاع سبب درگیری‌های نظامی میان نیروهای اقلیم کردستان و نیروهای عراق شد. با این حال این بحران به اتمام نرسیده و همچنان به‌صورت ابهام‌آمیزی باقی است و امکان ظهور تنش‌های متشددتر و تغییرات ژئوپلیتیکی را در عراق و منطقه متصور کرده است. همچنین تداخل نیروهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ذی‌نفع نیز آفاق حل این تنازع دیرینه را به محاق برده است. بنا به این تعریف اوضاع کرکوک از حالت بحران داخلی فراتر رفته و به‌بستان‌های بین‌المللی بر سر آن، جنگ و تغییرات اساسی ناشی از آن متوقع است، از این‌رو می‌توان آن را وضعیت بحرانی فراتر از مسائل داخلی و منطقه‌ای قلمداد کرد، به‌طوری‌که تغییرات ژئوپلیتیکی را ممکن‌تر کرده است.

از این رهگذر، این مقاله بر آن است، ضمن توصیفی مختصر از مختصات جغرافیایی، تاریخی و جمعیتی کرکوک و چگونگی ظهور بحران مذکور و تنازعات قومی-ژئوپلیتیکی بر سر آن، توضیح دهد که این بحران در دوره‌های گوناگون و به‌ویژه در دوره نظام فدرال عراق چه مرحله‌ای را آزموده است و سناریوهای محتمل آینده آن چگونه خواهد بود. در این زمینه

سؤال محوری این است که تأثیر و تأثر بحران کرکوک در تحولات منطقه و عراق و سناریوهای آتی چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه به ذهن متبادر می‌شود که بحران کرکوک تحولات عراق را تحت تأثیر قرار داده و اکنون نظام فدرال عراق را با شکاف‌های عمیق‌تر روبه‌رو کرده است و این بحران بالفعل با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از تحولات منطقه استعداد بالقوه تغییرات ژئوپلیتیکی را در بردارد. این وضعیت که رابطه اقلیم کردستان را با عراق، آسیب‌پذیر و شکننده کرده است، آینده کرکوک را در ابهامی ژرف فرو برده است. بر این اساس سناریوهای متعددی، که دال بر اهمیت مستدام نظریه ژئوپلیتیک است، برای آینده کرکوک متصور است. استنتاج فرضیه و حرکت در مسیر سؤال اصلی و محوری مقاله، مستلزم ارائه چارچوب نظری است که در این مقاله از نظریه تنازع ژئوپلیتیک، به‌عنوان نظریه‌ای که هنوز مصداقیت خود را دارد، استفاده می‌شود.

نظریه مناظره ژئوپلیتیکی

پرواضح است که در مطالعات علوم اجتماعی ساخت و ماهیت هر پدیده‌ای چارچوب نظری خاص خود را جهت تجزیه و تحلیل می‌طلبد. بنابراین با اینکه در فضای جهان جهانی شده امروز و هجده سنگین انقلاب فناوری و ارتباطات مرزهای جغرافیایی و به‌عبارت دیگر زمان و مکان را درنوردید و به تبع از فرایند شکل‌گرفته نظریه‌های کلاسیک ژئوپلیتیک از لحاظ شمولیت معنا و تحلیل رویدادها و روندها با چالش نظری مواجه شد، لیکن با توجه به منشأ ژئوپلیتیک شکل‌گیری ساختارهای سیاسی در خاورمیانه و نیز منازعات قومی و مرزی حاصل از آن می‌توان گفت نظریه ژئوپلیتیک و مناظره همچنان قادر است تنازعات موجود در این منطقه به‌صورت عام و بحران کرکوک را به‌صورت خاص تجزیه و تحلیل کند و معنا ببخشد.

روشن است که منابع کمیاب امروز به یک سرزمین معنای حیاتی داده و یحتمل موجب نزاع شود و در مقام تقدس برای رقبا اهمیت داشته باشد. بر این اساس مبرهن است که تنازع ژئوپلیتیک بیانگر حالتی از تنازع بین گروه‌های اجتماعی در محدوده سرزمینی خاص است که محیط را نزاع‌گونه و بی‌ثبات می‌سازد. از این‌رو در بررسی و تحقیق در خصوص تأثیر محیط نزاع‌گونه و لرزان کرکوک بر سیستم سیاسی و ساخت قدرت عراق، به نظریه تنازع ژئوپلیتیک پرداخته می‌شود. در واقع، نظریه تنازع ژئوپلیتیک، از آموزه‌های جغرافیای سیاسی است و ارتباط آن با جغرافیای سیاسی - اقتصادی و پدیده‌ها و روندهای مطرح در جغرافیای سیاسی، به‌خصوص منازعه و شکاف‌های قومی و مذهبی است که در این مقاله سعی بر آن است با استفاده از این تئوری، تنازع و شکاف‌های موجود در کرکوک و تأثیر و تأثر آن در سیر تحولات پیش‌رو مطالعه شود.

این نظریه نقش مؤلفه‌هایی همچون موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و جمعیت را در جایگاه و قدرت دولت‌ها بیان می‌کند. نظریه ژئوپلیتیک آلفرد ماهان که به مناطق ژئواستراتژی، که دارای پتانسیل اقتصادی است، متمرکز می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان جغرافیای سیاسی را عبارت از مطالعه اثرگذاری تصمیمات سیاسی صاحبان قدرت در محیط جغرافیایی دانست (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۰). اساساً ژئوپلیتیک در دوران جنگ سرد برای توصیف نزاع و مجادله جهانی بین شوروی و آمریکا بر سر کنترل کشورها و منابع استراتژیکی جهان به‌کار می‌رفت (Hepple, 1986: 15). نیز براساس نظریه هارتلند مکیندر، هر حکومتی که جزیره جهانی را در تصرف داشته باشد، حاکم بر جهان خواهد بود.

از دید جفری کمپ، دریای خزر و خلیج فارس به‌عنوان دو منطقه اصلی برآورنده نیاز روزافزون انرژی جهان قرن بیست‌ویکم اهمیت فراوان دارند. این اهمیت به‌ویژه از آن نظر چشمگیر است که در هر پیش‌بینی ژئوپلیتیک در زمینه شکل دادن به یک نظام ژئوپلیتیک تک‌قطبی و ایجاد هژمونی جهانی، به کنترل درآوردن منابع کمیاب به‌ویژه منابع تأمین‌کننده انرژی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۳). بنابراین نه‌تنها هارتلند به دنیای مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته است، بلکه از محل قدیمی خود به‌سوی جنوب حرکت کرده و در میان دو دریای خزر و خلیج فارس جای گرفته است.

در واقع، نظریه ژئوپلیتیک در مورد رقابت برای تصاحب مناطق مهم جهان در بین قدرت‌ها است. این امر به‌طور اتوماتیک به منازعه بین دول و ملت‌ها منجر می‌شود. یکی از نظریه‌های مرتبط به این بحث نظریه منازعه است و منازعه معلول عواملی از جمله منابع نادر است. به گفته لوئیس کوزر «مبارزه بر سر منابع نادر منبع منازعه بین رقباست» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۲۹۶). منازعه بر سر مناطق استراتژی و انرژی‌زا می‌تواند بین دول یا در درون یک دولت و میان گروه‌ها باشد. در این زمینه کرکوک به‌عنوان منطقه استراتژیک-انرژی، از عوامل مهم نزاع در عراق است و این منازعه به مسئله منطقه‌ای و بین‌المللی نیز تبدیل شده و زمینه تغییرات ژئوپلیتیک را در بطن خود به تصویر می‌کشد.

واقع امر این است که منطقه نفت‌خیز کرکوک در قسمت غرب بیضی ژئوپلیتیک تئوری هارتلند خزیده جفری کمپ واقع است. بنابراین موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل اقتصادی و ژئواستراتژیک آن، تحولات مهمی را در صد سال گذشته در خاورمیانه رقم زده است. در این زمینه با توجه به اینکه کرکوک قلب اقتصادی به‌شمار می‌رفت و ضامن استمرار و پایداری کشور جدیدی به نام عراق بود، گروه‌های مدعی را در آشوب و تلاطم بحران‌های ژئوپلیتیک قرار داد. از آنجا که «نیروهای بنیادین ژئوپلیتیک، جهان و سیستم بین‌الملل را در سطوح مختلف درون ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شکل می‌دهد»

(متقی، ۱۳۸۷: ۱۰)، این مکان نیز دارای قدرت ژئوپلیتیکی بوده و نیروهای محرک و سرسخت ژئوپلیتیکی و ضد ژئوپلیتیکی را در خاکریزهای تنازع قرار داده است. در حقیقت این منطقه نه تنها تأثیر مستقیم بر امنیت عراق داشته، بلکه به قول اسپایکمن در سیاست خارجی کشورهای ذی‌نفع و صاحبان قدرت هم تأثیر بسزایی خواهد داشت.

از آنجا که محیط ژئوپلیتیکی کرکوک تأثیر بسزایی بر نظم منطقه دارد، وضعیت این شهر آزمایشگاه مفهوم‌شناختی ژئوپلیتیک و تنازعات درون‌مرزی و منطقه‌ای به‌شمار می‌رود و راه را برای بازیگران خارجی نیز باز کرده، در نتیجه پیچیدگی و درهم‌تنیدگی بیشتری را بر این بحران سوار کرده است. واقع امر این است که تأسیس عراق پس از فروپاشی عثمانی و حیات بخشیدن اقتصادی این کشور، از طریق الحاق کرکوک به عراق، به دلیل منابع هنگفت نفتی آن، از مصادیق این ادعاست که هنوز ژئوپلیتیک تأثیر خود را بر سیاست و تغییرات سیاسی به‌طور بالقوه دارد.

با توجه به اینکه نوشتار حاضر وجهی اکتشافی دارد، متغیرهای آن نیز دوسویه بوده و حالتی بینابینی و متقابل دارد. طوری که از یک طرف وضعیت کرکوک وابسته به تحولات منطقه و سیاستگذاری‌های مدام در حال تغییر است. از طرفی تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه به‌خصوص در اقلیم کردستان در پیوند با اوضاع کرکوک خواهد بود. به‌صورت کلی در تحلیل‌های اکتشافی تمیز دادن متغیرهای مستقل و وابسته آسان نیست. روش تحقیق و مطالعه در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و از شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است.

مختصری از مختصات کرکوک

قسمت عمده مرزهای عراق تصنعی است؛ به طوری که ترسیم خطوط مرزی این سرزمین طبق منافع ابرقدرت‌ها بوده (مار، ۲۰۱۰: ۱۹) و این امر منشأ آشوب در عراق است. در واقع، «پیدایش دولت‌های ملی از درون امپراتوری‌ها با خود پیچیدگی‌های قومی، مذهبی و فرهنگی به‌همراه می‌آورد» (بشیریه، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۹۹). از این رهگذر، پس از فروپاشی عثمانی دولت جدیدی به نام عراق شکل گرفت و قسمتی از کردستان به آن الحاق داده شد (امین، ۱۳۸۶: ۴۰). الحاق مناطق دارای منابع فسیلی به عراق معضلاتی را با خود به‌همراه داشت که بحران کرکوک از ابتدا زاده همین مرزبندی جدید، خاصه مسئله ولایت موصل، است.

در این زمینه مستشرقان، تاریخ‌نگاران و دائرةالمعارف زیادی (اسلامی، جهان عرب، بریتانیا (Benton, 1974: 834)، دانمارک، آلمان، Microsoft) درباره تاریخ کرکوک نظر داده‌اند (کاک‌حمد، ۱۳۹۱: ۴۲). اسناد و آثار باستانی کشف‌شده متعلق به دوره ماد، به‌ویژه کتیبه‌های دارای خط میخی و سکه‌های دوره ساسانی در این شهر گویای تاریخ کرکوک هستند (ادمونز، ۱۳۸۲: ۲۲۸-۲۲۲).

همچنین تاریخ‌نگاران غرب (لئوناردو راولف، روهر، مینورسکی، چریکوف، یوسپ چیرنیک، سر پولارد، لانگریک، جیمز بیلی فریزر، میجر فردریک ملجن، میجرسون، لرد کرزن، مارک سالکیس، کریمرز، ژان اورناره، کلیمان، تاونیه، آدام سون، میخائیل س. لازاریف، ادمونز، دبلیو. آر. های، کابتن هی، باسیل نیکیتین) (مظهر، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۶)، ایرانی، کرد (اسناد تاریخی-باستانی و نقشه‌های کهن جغرافیایی و...)، ترک (فرهنگ اعلامی ترکی (۱۸۹۶)، سخنرانی‌های کمال آتاترک (Ataturk, 1981: 1186)، عصمت ایننو [وزیر وقت]، شمس‌الدین سامی) و عرب (ابن خلدون، ابن بطوطه، منشی بغدادی، شاکر خصباک، عبدالرزاق الحسینی، فائق السامرائی، محمود دره، هلال ناجی، عبدالعزیز سلیمان نوار، دلیلی، طالب شیبب [عضو کمیته مرکزی حزب بعث عراق]، فاضل حسین، سخنرانی علی حسن المجید)، منطقی‌ترین ادله حقایق تاریخی کرکوک را ارائه داده‌اند (کاک‌حمد، ۱۳۹۱: ۵۷-۵۲) و آن را جزو سرزمین کردستان محسوب کرده‌اند.

شهر مذکور به دلیل برخورداری از ذخایر نفتی، جمعیت مناسب و نیز منابع آبی و زمین‌های کشاورزی، نقش ممتازی در توسعه و تحول اقتصادی دارد. استان کرکوک در همسایگی استان‌های سلیمانیه و اربیل در شرق و نینوا و صلاح‌الدین در غرب و جنوب قرار دارد. نظر به نیات سیاسی آمار جمعیتی کرکوک همیشه مبهم نشان داده شده است؛ لیکن موثق‌ترین آمارها از جمله سرشماری سال ۱۸۳۱ در دوره عثمانی و سرشماری سال ۱۹۵۷ دولت عراق نشان می‌دهند که کردها در اکثریت، اعراب، سپس ترکمانان و مسیحی‌ها به ترتیب شاکله جمعیت این شهر بودند.

کرکوک در دوره معاصر به‌ویژه در دوره عثمانی با سیاست ترکیزه کردن و کوچاندن کردها به شمال آفریقا همراه بود و در دوره استعمار نیز در آسیاب کشمش‌های قومی افتاد. در دوره پادشاهی و پس از انقلاب ژولای در عراق شاهد عربیزه کردن حادی بود. این وضعیت در دوره بعث اوج شدت را داشت (طالبانی، ۲۰۰۴: ۷۱)، به طوری که مهندسی جمعیتی با ژنوساید و کشتار دسته‌جمعی کردها در تاریخ ثبت شد. با این حال با وجود تمام سیاست‌های عربیزاسیون و تغییر دموگرافی (عزتی، ۱۳۸۴: ۳۶۶) کردها در انتخابات پارلمان عراق بیشترین آراء را در کرکوک به خود اختصاص دادند و «در ژانویه ۲۰۰۵ در انتخابات شورای استانی کرکوک ۶۳ درصد آراء را به دست آوردند» (نصری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

کرکوک همواره مرکز ثقل انرژی، اقتصاد، سیاست و منازعات قومی و مذهبی بوده است. این اوصاف، ماهیتی ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی منازعه‌وار به این منطقه داده و آن را به‌عنوان یک مسئله تاریخی-سیاسی برجسته کرده است. وجود ذخایر هیدروکربنی در این مکان موجب شد تا رژیم‌های مختلف عراق به‌خصوص رژیم بعث به‌منظور اطمینان، سیاست‌های کردزدایی و عربیزه کردن را در این منطقه اعمال کند (طالبانی، ۱۳۸۱: ۲۶۱). عواقب این

سیاست، جدا کردن شهرهای کاملاً کردنشین از کرکوک و الحاق آنها به شهرهای دیگر، کوچاندن کردها و جایگزین کردن اعراب و در نهایت عملیات ژنوساید کردها موسوم به عملیات زنجیره‌ای انفال (لیزبرگ، ۱۳۸۵: ۹) بود که بحرانی چالش‌زا از کرکوک موجودیت بخشیده است.

کرکوک در پس تحولات جدید عراق

پس از جنگ سرد و وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر، ترتیبات جدیدی ظهور یافت و تعاریف و عوامل منطقه‌ای تغییر کرد (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۳). در واقع، ابتدا جنگ دوم خلیج فارس موجب ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی نوینی در خاورمیانه پس از فروپاشی نظام دوقطبی شد (حیدری و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). این تحولات زمینه را برای گسترش رقابت میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای گسترش و حضور نفوذ در خاورمیانه و بهره‌برداری از شرایط نوین و ترتیبات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جدید فراهم ساخت (اخباری و ایازی، ۱۳۸۶: ۳۷). یکی از تغییرات پس از سقوط بعث تأسیس نظام جدید در عراق و ظهور بازیگران نو و تغییر رویکرد بازیگران ذی‌دخل بود. لیکن از اولین چالش‌های پیش روی این نظام، بحران کرکوک بود و به این دلیل که ساختار تصمیم‌گیری در عراق جدید، بر مبنای توافق و سازش نیروهای موجود است، بحران کرکوک نیز متأثر از این توافقات و سازش‌های صورت گرفته، مراحل متعددی را در نظام فدرال تجربه کرد. در نظام فدرال عراق ماحصل توافقات صورت گرفته در مورد کرکوک، به تدوین و تصویب مواد قانونی در قانون اساسی موقت (قانون اساسی موقت عراق، ۲۰۰۴) و قانون اساسی دائمی انجامید، مبنی بر اینکه سرنوشت مناطق مورد اختلاف طبق قانون اساسی جدید از راه عادی‌سازی مناطق از آثار سکونت اجباری و تعریب مناطق کردنشین و مراجعه به مردم ساکن در منطقه رقم بخورد (دستور جمهوری‌العراق، ۲۰۰۵) که به دلیل کثرت نیروهای دخیل و ادعاهای متضاد و دخالت نیروهای خارجی این امر محقق نشد. پس از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷، کرکوک به صورت دوفاکتو تحت هژمونی کردها و از سال ۲۰۱۴ با ظهور داعش به صورت کامل در کنترل اقلیم کردستان بود. اما در اکتبر ۲۰۱۷ دولت عراق دوباره بر کرکوک تسلط یافت که این امر به خشونت میان اقلیم کردستان و عراق کشیده شد. حال آنچه این وضعیت را تهدید می‌کند، این است که این اوضاع ناپایدار بوده و بحران کرکوک به طور رسمی و قانونی حل نشده و این مسئله موجب شده است که مرزهای منطقه فدرال اقلیم کردستان با عراق نامشخص و در ابهام بمانند و شاهد استدام تغییرات جدیدی باشیم.

ابعاد تنازع و بازیگران دخیل داخلی و خارجی

مهم‌ترین ابعاد تنازع کرکوک را می‌توان در سه بعد بررسی کرد؛ پیچیدگی در شکاف‌های قومی - مذهبی و اختلافات مرزی، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و دادوستدهای پیچیده در سطح کنشگران دخیل. در واقع، ایجاد مناطق کاملاً یکسان در عراق کاری دشوار است، زیرا گروه‌های مختلف قومی و مذهبی در بعضی مناطق در هم آمیخته شده‌اند. این امر برخاسته از اعمال دولت‌های عراق برای عربیزه کردن بخش‌های دارای ذخایر زیرزمینی کردستان به‌ویژه کرکوک بوده است. ماحصل این وضعیت، تولید و تشدید شکاف‌های قومی و مذهبی است که ثبات و امنیت این منطقه و روابط بین اقلیم کردستان و عراق را دچار چالش و تنش کرده است. اگرچه به گفته‌ای «مناطق متداخل در میان اکثریت گروه‌های عراق می‌تواند منجر به اتخاذ سیاست‌های انضمام‌طلبانه شود، به‌علاوه امکان مداخله بیشتر عامل خارجی، نگرانی از این قلمروهای محصور گروهی را تشدید می‌کند» (حاجی‌یوسفی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۶۶)، اما در عرصه واقع، تاکنون در عراق واگرایی مشهودتر از همگرایی بوده و ترسیم مرزهای منطقه‌ای عراق در طول خطوط قومی یا مذهبی، درگیری‌های قومی و جدایی‌طلبی را به سبب تقویت هویت‌های قومی و مذهبی در کشور افزایش می‌دهد.

بازیگران مؤثر در ساختار سیاسی و اجتماعی کرکوک گروه وسیعی از بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستند. این امر نشان‌دهنده حساسیت‌های زیادی نسبت به این منطقه و تحولات پیش روست. در سطح داخلی کردها، اعراب و ترکمان‌ها در سطح ساختار سیاسی کرکوک ایفای نقش می‌کنند. در سطح منطقه‌ای از یک سو، کشورهای عربی با حمایت از اعراب سنی در جهت ارتقای مواضع و جایگاه آنان در عراق هستند و از سوی دیگر، کشورهای همجوار عراق از جمله ایران، ترکیه و سوریه دغدغه مشترک سیاسی و تاریخی نسبت به تحولات کرکوک دارند. با تأمل بر اینکه در منطقه آسیای جنوب غربی، اراده بین‌المللی و خواست قدرت‌های فرامنطقه‌ای سهم ممتازی در فرم و نتیجه تحولات دارند (نصری و همکاران، ۱۹۹۲: ۱۷۰)، در سطح فرامنطقه‌ای آمریکا در بحرانهای داخلی عراق نقش مهمی دارد.

مواضع نیروهای داخلی. کردها براساس استنادات جغرافیایی، تاریخی، جمعیتی و فرهنگی، معتقدند که کرکوک بخشی از سرزمینشان بوده که متأثر از سیاست‌های عثمانی، استعماری انگلیس و سیاست تعریب رژیم‌های عراق از کردستان منفک شده است، اگرچه اکثریت جمعیت آن با وجود ضعف کردها، اعمال فشارها و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و آسیمیلیاسیونیستی، کرد هستند، آنها اولویت اصلی را الحاق به اقلیم کردستان قرار داده‌اند. اعراب سنی نیز با توجه به سابقه چند دهه حکومت، دفاع از تمامیت ارضی عراق، کمبود منابع زیرزمینی در مناطق خویش، تضاد تاریخی با کردها و حمایت دولت‌های عربی، ادعای

حاکمیت بر کرکوک دارند. اکنون آنها از ایجاد نظامی دموکراتیک و کاهش قدرت خود ناخشنودند و تحت نفوذ عربستان سعودی و گروه‌های اسلام‌گرا تلاش می‌کنند تا کرکوک به کردستان ملحق نشود. کشورهای عربی با تقویت موضع سنی‌ها، در جهت سیطره کامل بر منابع نفتی کرکوک عمل می‌کنند. اعراب شیعه نیز با توجه به اینکه اکنون در اکثریت و در رأس هرم قدرت هستند خواهان تمامیت ارضی عراق بوده و پیرو آنکه در قبال بحران کرکوک و تقویت موضع کردها، با اعراب سنی اشتراک منافع دارند، خواستار غلبه دولت عراق بر کرکوک یا در حالت حداقلی تبدیل شدن آن به ایالت فدرال در وضعیت بحرانی‌اند (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۴). ترکمان‌های شیعه و سنی نیز با توجه به قدمت سکونت در کرکوک و با توجه به حمایت‌های ترکیه از آنان، ادعای مالکیت دارند. اما با توجه به اینکه آنها در میان دو گروه قدرتمند متنازع کردها و اعراب قرار گرفته‌اند، اجماع نظر نداشته و بیشتر یک ایالت ویژه را برای کرکوک خواستارند. مسیحیان که با کردها قدیمی‌ترین ساکنان کرکوک هستند، همواره نقش واسطه‌گر و میانجی را میان کردها و اعراب ایفا کرده‌اند.

مواضع نیروهای خارجی. ایالات متحده آمریکا در بحران کرکوک ظاهراً تماشاگر است و به‌نظر می‌رسد سیاست شناور آمریکا بیشتر به واقعیت عرصه سیاسی عراق توجه داشته باشد. هرچند پس از حمله داعش آمریکا از نظامیان کرد در برابر داعش در کرکوک حمایت کرده است، لیکن در قبال بحران نامبرده و نتایج آن برای آمریکا حفظ منافع از اهم موضوعات است و گاه از کارت کرکوک به‌عنوان مهار اوضاع و صاحبان قدرت در عراق استفاده می‌کند. با توجه به اینکه هنوز استمرار دموکراسی در عراقی یکپارچه مطمح نظر ایالات متحده است، لیکن در پی مصغر نشان دادن بحران کرکوک و مدیریت دموکراتیک آن است.

ترکیه نیز به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای، نوعی ادعای تاریخی دارد که منشأ آن وجود منابع نفتی فراوان کرکوک و نگاه نئوعثمانیستی به‌عنوان راهبرد جدید حزب عدالت و توسعه در این کشور است. بنابراین حمایت از ترکمان‌ها و سنی‌های عرب و در حال حاضر حفظ تمامیت ارضی عراق را، به‌دلیل تأثیر قدرت یافتن اقلیم کردستان بر امنیت ترکیه، در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است؛ البته گاه دم از مستقل شدن ایالت کرکوک هم می‌زند. ایران نیز به‌عنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار در تحولات منطقه و عراق، با توجه به اینکه کرکوک منطقه منازعه بین سنی‌ها و کردهاست، فعلاً ضمن حمایت از تمامیت ارضی عراق، تقویت حضور شیعیان همسو با خود را در ساختار قدرت عراق محور اصلی استراتژی خویش می‌داند. ضمن اینکه ایران به حقیقت تاریخی کرکوک آگاه است، اما به‌دلیل تهدید استقلال اقلیم کردستان و نفوذ اسرائیل (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲) در غرب ایران در پی الگویی متمایز برای حل بحران کرکوک است. هرچند ترکیه و ایران رویکردی هماهنگ درباره آینده

کرکوک دارند و ترجیح می‌دهند وضعیت حقوقی آن در پیوند با عراق تعریف شود و می‌توان گفت در حوادث پس از همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان، ایران تحت تأثیر الگوی رفتاری ترکیه قرار گرفت، لیکن رقابت‌هایی بر سر نفوذ بر آن حوزه بین دو کشور محسوس است و شاید بهتر باشد رویکرد ایران در قبال اقلیم کردستان رو به واقع‌پذیری و گرایش به اهتمام دادن به حوزه تمدن نوروژ به‌عنوان متحد طبیعی تغییر یابد. اغلب کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی، به حمایت از دولت جدید عراق تمایل چندانی ندارد و تلاش می‌کند تا شرایط را در عراق به نفع گروه‌های سنی تغییر دهد (جی.تری، ۱۳۸۸: ۷۴). هرچند آنها نیز با الحاق کرکوک به کردستان ناخرسندند، به‌نظر می‌رسد آنها با درک واقعیت‌های پیش‌رو و تنش‌های اخیر منطقه چنانچه نتوانند تمام‌قد به سنی‌ها کمک کنند، به‌دنبال الگویی بهتر باشند و در نهایت تغییر رویکرد بدهند.

اقدام کردها برای الحاق کرکوک به اقلیم کردستان

در تخاصم میان کردستان و عراق، در سال ۱۹۷۰ کردها توانستند اعتراف دولت مرکزی را برای خودمختاری کسب کنند؛ اما پس از قوی شدن عراق، بغداد مسئله کرکوک را معلق کرد و در پی آن ناآرامی‌های عراق و جنگ فی‌مابین آغازی دوباره به خود گرفت؛ در نهایت در پی انعقاد معاهده الجزایر خودمختاری کردستان نیز دچار انحطاط شد. در جنگ ایران و عراق و حتی پس از آن هم کردها علیه دولت عراق در حال جنگ بودند. سرانجام در سال ۱۹۹۱ در پی خیزش سراسری و ایجاد حکومت منطقه‌ای کردستان، آنها توانستند قسمتی از کرکوک را به‌صورت دوفاکتو در چارچوب منطقه خودمختار کردستان حفظ کنند. آنها در سال ۲۰۰۳ شهر را دوباره به دست گرفتند (مورلی و هینچ کلیف، ۱۳۸۵: ۱۰۱). سپس در سال ۲۰۰۵ راه‌کار تقنینی بحران کرکوک را در قانون اساسی عراق تحت عنوان ماده ۱۴۰ ثبت کردند (دستور جمهوری العراق، ۲۰۰۵)، لیکن در عملیاتی ساختن قانون اساسی، به‌ویژه پس از خروج آمریکایی‌ها از عراق، موفق نبودند. پس از حمله داعش ارتش عراق از مناطق سنی‌نشین و کردستان عقب‌نشینی کرد و کردها کرکوک و بخش‌های دیگر کردستان را در مقابل داعش حفظ کرده و تا سال ۲۰۱۷ بر آن سیطره کامل داشتند و کنترل کردن کرکوک را به‌ویژه پس از برگزاری فراندوم استقلال در سوم مهرماه ۱۳۹۶ گامی مطمئن در پی استقلال تلقی کردند. اما پس از آن وضع منطقه ملتهب شد و نیروی نظامی عراق وارد کرکوک شده و اوضاع را بیش از پیش پیچیده کرده است.

سناریوهای آتی

با توجه به وضعیت عراق مشهود است که مجموعه عواملی از جمله مسئله کردستان به‌طور عام

و در پی آن بحران کرکوک به طور خاص، ثبات سیاسی را در عراق تهدید می‌کند. به طوری که عدم حل و فصل دموکراتیک آن، همبستگی مثبت با بی‌ثباتی، تهدید موجودیت نظام فدرال یا حتی جنگ داخلی را در پی خواهد داشت. بنابراین با توجه به یافته‌های حاصل از این نوشتار و شناخت زوایا و ابعاد موجودیت‌بخش و تشدیدکننده بحران کرکوک، سناریوهای محتمل برای این بحران پیش‌بینی می‌شود.

سناریوی اجرایی شدن قانون اساسی. یکی از سناریوهای نرم عملیاتی شدن اصل ۱۴۰ قانون اساسی است. این راهکار از این رو مهم است که دیگر سناریوها اساساً آلت‌رناتیو یا پاسخی نسبت به آن هستند. در واقع، عدم اجرای قانون عامل اصلی ایجاد منازعه است. تحقق سناریوی الحاق کرکوک به کردستان هرچند دارای حمایت قانونی است، لیکن در عمل با مخالفت‌های داخلی و خارجی روبه‌روست. به دلیل پتانسیل زیاد کردها برای استقلال (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۶۶) از دید مخالفان، اجرا شدن راهکار قانونی الحاق کرکوک به کردستان شاید به مثابه تغییر مرزهای فعلی باشد. از این رو دولت عراق و دولت‌های همجوار پس از خروج آمریکایی‌ها از وقوع این احتمال جداً جلوگیری می‌کنند و حتی در پی حذف این مفاد در قانون اساسی خواهند کوشید.

سناریوی تقسیم قدرت. تقسیم قدرت در کرکوک جهت مدیریت منازعات داخلی و راضی کردن کردها و اعمال ماده ۱۴۰ سناریویی محتمل به نظر می‌رسد. از این منظر قبلاً پیشنهاد تقسیم ۳۲ درصد مناصب سیاسی در کرکوک از سوی پارلمان مناسب دانسته شده است. برخی گروه‌ها از جمله اعراب و ترکمان‌ها و احتمالاً ایران با اجرایی شدن این الگو انعطاف نشان داده‌اند، اما احتمال توفیق این سناریو ضعیف و شکننده خواهد بود؛ چراکه کردها کرکوک را از آن خود می‌دانند. همچنین به نوعی این سناریو در عمل آزموده و ساقط شده است. پس از سال ۲۰۰۳ در پی انتخابات شورای استانداری کرکوک نوعی تقسیم قدرت در کرکوک تمرین شد، اما نتیجه آن مطلوب نبود. باید گفت این سناریو یک حل موقت است و احتمال وقوع آن برای برخی مواقع با نظارت آمریکا نزدیک به نظر می‌رسد، ولی نمی‌توان آن را راهکار پایدار برای حل و فصل منازعه تلقی کرد.

سناریوی بازگشت به مرزهای پیش از سال ۱۹۶۸. معمولاً در مواقعی که دولت عراق ضعیف است، پیشنهاد بازگشت به مرزهای پیش از سال ۱۹۶۸ را می‌پذیرد. براساس راهکار کردها بسیاری از مناطق خود را، در دیگر نواحی مورد منازعه، از دست داده و فقط کرکوک به اقلیم کردستان ملحق می‌شود. طرح این راه‌حل نوعی اعتراف دولت عراق به کردستانی بودن کرکوک است، لذا تحقق این سناریو چندان محتمل نیست؛ چراکه نه کردها راضی به این پیشنهاد هستند و نه دولت‌هایی همچون ترکیه به راحتی با این طرح موافقت می‌کنند.

تحت مدیریت سازمان ملل. اهمیت این سناریو در جلوگیری از خشونت به نفع مردم و گروه‌های در حال منازعه است. اما بیشتر شبیه مُسکن است تا معالجه. بنابراین حتی در صورت تحقق چندان امیدوارکننده نیست، چراکه باید به آن به‌عنوان یک حل کوتاه‌مدت نگریست. در این زمینه استفان دیمیستورا نماینده سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ از پارلمان اقلیم کردستان خواست که اجرا شدن ماده ۱۴۰ را به مدت شش ماه به تعویق بیندازند، مشروط بر اینکه پس از این مدت اجرا شدن آن تحت نظارت سازمان ملل صورت گیرد؛ اما تاکنون این امر تحقق نیافته است (International Croup, 2008: 2). شایان ذکر است که گروه‌های عرب و ترکمان بیشتر از کردها با سناریوهایی همچون مستقل شدن کرکوک، تقسیم قدرت، بازگشت به مرزهای ۱۹۶۸، زیر نظر سازمان ملل بودن موافقاند.

سناریوی تسلط دولت عراق. اساساً بیم اقلیم کردستان از این است که هرگاه دولت عراق توانمند شود، در پی تسلط بلامنازع بر کرکوک و تعریب دوباره آن خواهد بود؛ از این رو تصور می‌رود کردها مانع قوی شدن عراق باشند. اکنون دولت عراق در پی مستحکم ساختن استحکامات دولت است و در صورت امکان در پی تمرکزگرایی هم خواهد بود، ولی احتمال آن، حداقل در آینده‌ای قریب، بعید به‌نظر می‌رسد. در واقع، بحرانی شدن و حتی به خشونت گراییدن موضوع کرکوک از آنجاست که تحت سلطه مرکز است و ادامه این وضعیت به این معناست که این بحران لاینحل و در انتظار انفجار باقی بماند.

تضعیف قدرت شیعیان. سناریوهای مشروح احتمالاتی بودند که پس از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ متوقع بوده‌اند. پس از تحولات ۲۰۱۴ و با توجه به رویکرد ابرقدرت‌ها در خاورمیانه، سناریوهای جدیدتر نمایان شدند. از جمله اگر کرکوک همچنان جزو عراق نگه‌داشته شود، موجب بروز نزاع داخلی و تزلزل عراق خواهد شد. در این حالت ممکن است اعراب سنی تقویت شده و معادلات قدرت را در داخل عراق دگرگون کنند و تغییر معادله قدرت به‌مثابه تغییر قدرت بازیگران در منطقه است. از این رهگذر، تسلط داعش بر مناطق سنی‌نشین یکی از آموزه‌هایی است که چشم‌انداز آتی عراق را بهتر نمایان می‌سازد. این رویداد دال بر این است که گروه سنی در عراق تقبل انزوا را نخواهند داشت (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۷۰) و برای دوباره به قدرت رسیدن به هر رویکردی روی خواهند کرد. یکی از احتمالات دیگر تداوم و نفوذ بیشتر نیروهای حشد شعبی در عراق به‌ویژه در مناطق کرکوک است که در آینده به تنش میان سنی‌ها و حشد شعبی منجر شده و همچنین موجب تشدیدتر شدن تنش میان حشد شعبی و کردها خواهد شد. از این رو به‌نظر می‌رسد برخی شیعیان با توجه به قدرت ژئوپلیتیکی خویش در جنوب عراق تمایل چندانی به پرداخت هزینه بابت کرکوک نداشته باشند (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۷۵).

تغییر رویکرد بازیگران ذی‌دخل. باید اذعان کرد از سویی هر گاه عراق قدرت یابد، تهدیدی برای منطقه خواهد بود (نقیب‌زاده، ۱۳۹۶)؛ از سوی دیگر، تغییرات منطقه و معاملات بازیگران هم تعیین کننده وضعیت کرکوک خواهد بود و به نظر می‌رسد در پس اتفاقات در منطقه به‌خصوص در عراق رویکرد کلاسیک بازیگران منطقه‌ای و نگاه‌های امنیتی و سیاست همسایگی کشورهای همجوار عراق تغییر یابد. همچنین از طرفی چنانچه اکتشاف‌های جدید نفت در اقلیم کردستان و عراق به نتایج مثبت برسد، امکان تلطیف تنش میان طرف‌های متخاصم متصور خواهد بود. از طرف دیگر، اگر اقلیم کردستان در تعامل اقتصادی در میدان‌های نفت خیز اربیل با همسایگان به‌طور موفق تعامل کند، امکان تغییر رویکرد کشورهای منطقه، بنا به پذیرش واقعیت موجود، در قبال بحران کرکوک قابل تصور است. به‌ویژه امکان دارد در آینده ایران به‌عنوان محیط فرهنگی مشترک و خاستگاه حوزه تمدن ایران، نسبت به بحران کرکوک، با اقلیم کردستان وارد گفت‌وگو سازنده و نوینی شود. سیاست سنتی ترکیه، که می‌توان از آن به‌عنوان سیاست خارجی آشفته هم یاد کرد، نیز به‌دلیل نیاز به انرژی و تأمین انرژی از سوی اقلیم کردستان و ضعف قدرت ترکمان‌ها در عراق و تحولات داخلی ترکیه و منطقه در نوسان است. عربستان سعودی که کماکان در پی تقویت اعراب اهل تسنن است، با توجه به انزوای سنی‌ها در عراق و تنش‌های جدید عربستان با کشورهای منطقه به‌خصوص با ایران در مسائل عراق و مسئله کردها به‌ویژه بحران کرکوک و امکان تغییر سیاست آل سعود و جست‌وجوی متحدی نو جای تأمل است.

ایالت مستقل کرکوک. پس از حوادث اخیر سناریوی منطقه فدرال کرکوک به بحث کشیده شد. مستقل شدن کرکوک به‌عنوان یک ایالت فدرال سناریوی دیگری است که با مخالفت طرفین و موانع قانونی روبه‌رو شده است. در اوضاع و احوال آشفته عراق پذیرش این سناریو از سوی دولت و برخی احزاب کردستان و حتی دولت‌های منطقه و آمریکا مثبت به‌نظر می‌رسد. ولی تحقق سناریوهای بدیل الحاق به کردستان می‌تواند حل موقتی و ناپایدار باشد و جلوه‌های امکان بازگشت به وضع پیشین را در درون خود دارد. به‌نظر می‌رسد کردها این سناریو را با سازوکاری دیگر مطرح کنند، اینکه آن را به‌عنوان یک استان ویژه و مستقل، ولی در چارچوب اقلیم کردستان، قبول کنند اما تحقق آن بدون ایجاد وضعیت دوفاکتو امری دشوار است.

مدیریت مشترک. گفته می‌شود پیش از همه‌پرسی اقلیم کردستان، نیروهای ائتلاف به‌ویژه آمریکا و دولت عراق به‌طور نارسمی خواستار این بودند تا کرکوک به‌صورت مشترک از طرف اقلیم کردستان و عراق مدیریت شود. اما این موضوع از سوی کردها با مخالفت مواجه شد. پس از اینکه دولت عراق در سال ۲۰۱۷ دوباره بر کرکوک مسلط شد، خاصه پس از نتایج

انتخابات عراق در ۲۰۱۸ و آشفتگی‌های اخیر احتمال ایجاد تغییر در معادلات داخلی عراق در میان بازیگران قومی و مذهبی از سوی آمریکا محسوس است و گزینه مدیریت مشترک هنوز به‌عنوان یکی از قوی‌ترین سناریوها نمایان می‌شود. به‌نظر می‌رسد آمریکا به‌عنوان میانجیگر، ایران، ترکیه، اعراب کرکوک و ترکمان‌ها موافق این سناریو باشند.

تسلط دوباره اقلیم کردستان. پس از ظهور و تضعیف داعش و در پی آن برگزاری فراندوم استقلال کردستان در بزنگاه اوضاع و احوال نابسامان عراق و منطقه، تغییرات در سناریوهای مذکور مشهود است. با نگاه به عرصه لرزان اجتماعی و سیاسی عراق تسلط دوباره کردها بر کرکوک نیز متوقع است. بنا به افق ناامن عراق در وضعیت کنونی امکان دارد مجدداً یک نیروی اسلام‌گرا در عراق تقویت شده و وضعیتی بدخیم بین اقلیم کردستان و عراق پدیدار شود. در این حالت احتمالاً قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دخالت خواهند کرد و وضعیت ایجاد فضای دوقطبی در عراق و منطقه به دور از انتظار نیست. در پس احتمالات پیش‌رو ممکن است اصل ۱۴۰ قانون اساسی تحت نظارت سازمان ملل نیز به‌عنوان پایان دادن مشکلات به بحث گذاشته شود.

تغییرات ژئوپلیتیکی و راهکار کنفدرالیسم

روند تحولات سیاسی و تغییرات ژئوپلیتیکی در عراق و در پی آن تشکیل اقلیم کردستان و نیز اختلافات آن با دولت عراق و در نهایت برگزاری فراندوم استقلال کردستان خاصه اجرا شدن فراندوم در کرکوک و حمله عراق به کردستان، خبر از تحولات مهم سیاسی و ژئوپلیتیکی در منطقه می‌دهد. صراحتاً راه بسامان شدن عراق صعب‌العبور است، چراکه عراق در حالت ضعف پر از آشوب و خشونت شده و به‌هنگام قدرت یافتن تهدیدی برای منطقه خواهد بود. در این میان راه چاره در دولت فدرال عراق باید به‌دقت طراحی شود و به دولت‌های محلی خودمختاری وسیع سیاسی و مالی دهد و کرکوک را در منطقه کردستان ایجادشده قرار دهد. ثبات کوتاه‌مدت و درازمدت عراق و خاورمیانه به این مسئله بستگی دارد (حاجی یوسفی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۱)، در غیر این صورت شاید راه‌حل در الگوی کنفدرالیسم براساس خطوط ملی و مذهبی نهفته باشد.

از آنجا که آشوب از خصایص دائمی عراق است، به‌نظر می‌رسد استدام این واقعیت پایانی هم نداشته باشد. از این‌رو در این برهه زمانی بهتر است عراق به یک اتحادیه کنفدرال تبدیل شده و کرکوک در میان دو یا سه منطقه کنفدرال وضعیتی ویژه داشته باشد. با توجه به تغییرات سریعی که در منطقه اتفاق می‌افتد و مستقیماً بر اوضاع عراق تأثیر می‌گذارد، شاید این احتمال ملایم‌ترین و مطمئن‌ترین راه‌حل برای پایان دادن به خشونت و جلوگیری از خانمان‌سوزی در

آینده باشد. احتمالاً موافقان این راهکار برخی از سناریوهای آمریکا، سیاسیون اروپایی، بسیاری از روشن‌فکران منطقه و اقلیم کردستان باشند. احتمال ترویج این نظر در میان قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌عنوان کلید حل منازعه موضوعی قابل بحث است.

نتیجه

یافته‌های حاصل از این نوشتار دال بر این است که پتانسیل‌های بالقوه ژئوپلیتیکی کماکان توانایی تغییرات بالفعل ژئوپلیتیکی را دارند. در این زمینه و در پی اثبات فرضیه باید اذعان کرد که بحران کرکوک و دخالت بازیگران متعدد و رویدادهای ناشی از این اوضاع ثبات نظام فدرالی را در عراق چالش‌برانگیز کرده است. در واقع، نفت‌خیز بودن کرکوک از قبل تأسیس عراق به خط‌کشی مرزی در منطقه از سوی قدرت‌های وقت منجر شد و در نتیجه کشوری ناقص‌الجثه به نام عراق تولید شد و اکنون نیز با نگاه به مطرح شدن بازیگران جدید و نیروهای ضد ژئوپلیتیکی امکان به‌وجود آوردن وضعیت جدید دارد. می‌توان تصریح کرد که با توجه به مجموعه ویژگی‌ها، شرایط و عوامل مذکور به‌نظر می‌رسد قرار گرفتن کرکوک بر روی یک میدان نفتی وسیع و شکاف‌های قومی و مذهبی موجود در آن سبب پیچیدگی این بحران و بروز تنازعات ژئوپلیتیکی در این منطقه شده است. بدان‌معنا که منازعه هویتی و ژئوپلیتیکی کرکوک با تداخل عامل اقتصادی بسیار پیچیده‌تر شده است، به‌طوری‌که اهمیت عامل اقتصادی در نظام بین‌الملل و نیز مسئله کردها در منطقه سبب افزایش تنازعات و تعدد بازیگران تأثیرگذار و تأثیرپذیر و ذی‌نفع در بحران کرکوک شده است. یافته‌های حاصل از واکاوی موضوع حاضر گویای این است که عراق دارای شکاف‌های ساختاری و سیاسی عمیق است؛ بنابراین می‌توان آن را کشوری شکننده تلقی کرد. یکی از گسل‌هایی که تغییرات ملموسی را در این کشور رقم خواهد زد، گستره بحران کرکوک است. هرچند سناریوهایی برای حل بحران مذکور ارائه شده است، اما بیشتر این سناریوها در حالت ضعف دولت عراق متصورند؛ حتی قبول بیشتر سناریوهای مذکور از طرف اقلیم کردستان امری آسان نیست. در این رابطه می‌توان گفت رویکرد بازیگران دخیل نیز رو به دگرگونی خواهد بود. با نگاه به رویدادهای اخیر به‌ویژه پس از حمله داعش و تسلط کردها بر کرکوک و از دست دادن دوباره آن ممکن است این بحران به تنش‌های گسترده‌تری کشیده شود و در نهایت نیروهای بین‌المللی مستقیماً وارد این بحران شوند و گمان می‌رود این بحران تغییرات جدیدی را به‌بار آورد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

۱. اخباری، محمد؛ ایازی، سید محمدهادی (۱۳۸۶). «وضعیت خاورمیانه در ساختار ژئوپلیتیکی هزاره سوم»، فصلنامه

- ژئوپلیتیک، سال سوم، ش ۳، تهران: پاییز.
۲. اخوان کاظمی، مسعود؛ رستمی، فرزاد؛ شاه‌ملکی، حامد (۱۳۹۷). «تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشگاه انقلاب اسلامی، سال هشتم، ش ۲۷، تهران: تابستان.
۳. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). دولت‌سازی در عراق جدید و چالش‌های فرارو؛ گزارش راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، ش ۱۹۳، تهران: خرداد.
۴. ادمونز، سیسیل جی (۱۳۸۲). کردها، ترک‌ها، عرب‌ها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان.
۵. اکبری، حسین (۱۳۸۸). بحران حاکمیت در عراق، تهران: اندیشه‌سازان نور.
۶. امین، محمدرضا (۱۳۸۶). ناگفته‌های جنگ عراق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی (ره).
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، تهران: نشر نی.
۸. تری جنیس، جی (۱۳۸۸). سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه نقش لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ، ترجمه ارسالان قربان شیخ‌نشین و رضا سیمبر، تهران: سمت.
۹. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد؛ سلطانی‌نژاد، احمد (۱۳۸۷). سامان سیاسی در عراق جدید، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۰. حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷). «مسئله کرکوک و چالش‌های قومی- مذهبی در عراق جدید»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، ش ۲۰، تهران: تابستان.
۱۱. حیدری، محمد؛ محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶). «تحولات ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، ش ۲.
۱۲. خصیباک، شاکر (۱۹۲۷). الأکراد، بغداد: المطبعة شفیق.
۱۳. دستور جمهوری‌العراق (۲۰۰۵). الدائرة الاعلامية، www.perleman.org, ۲۰۱۷/۱۲/۱۱.
۱۴. دوئرنتی، جیمز؛ رابرت فالتزگراف (۱۳۸۸). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس.
۱۵. طالبانی، نوری (۱۳۸۱). «سیاست تغییر نژادی همه‌جانبه در کرکوک از گذشته تا به حال»، ترجمه آزاد آرامی، فصلنامه راه (Rave)، ش ۳، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جهاد دانشگاهی، کانون فرهنگی کازیوه، تهران: تابستان.
۱۶. طالبانی، نوری (۲۰۰۴). منطقه کرکوک و محاولات واقعه القومی، اربیل: آراس.
۱۷. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۴). تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۸. قانون اساسی موقت عراق (۲۰۰۴). سایت میدیا: <http://www.mediya.net/xeber/qanun-iraq.htm>, بازدید ۱۳۹۵.
۱۹. کاک‌حمد، محمد (۱۳۹۱). بررسی مسئله کرکوک در تحولات سیاسی نظام فدرال عراق بعد از سقوط صدام (۲۰۰۳-۲۰۱۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
۲۰. کمپ، جفری؛ هارکاو، رابرت (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه پیشینه مفاهیم و مسائل، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. لیزنبرگ، مایکل (۱۳۸۵). «انفال در کردستان عراق»، ترجمه امیر احمدی آریان، ماهنامه بین‌المللی گفت‌مان نو، ش ۲، تهران: شهریور.
۲۲. مار، فب (۱۳۸۰). تاریخ‌نویس عراق، ترجمه محمد عباس‌پور، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۳. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). «ژئوپلیتیک تعادل و موازنه نرم، مطالعات موردی خاورمیانه در بین سال‌های ۹- ۲۰۰۱»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، ش ۱.
۲۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
۲۵. مظهر، کمال (۱۳۸۸). کرکوک و توابع آن؛ قضاوت تاریخ و وجدان، ترجمه ابراهیم یونسی، سلیمانیه: پیره‌مرد.
۲۶. مورلی میلتن، ادوارد؛ هینچ کلیف، پیتر (۱۳۸۵). بحران در خاورمیانه، ترجمه شهزاد رستگار شریعت‌پناهی، تهران: قومس.

۲۷. نصری، قدیر؛ سلیمی، آرمان؛ ولدبیگی، آرام (۱۳۹۲). «جایگاه کرکوک در معادلات راهبردی عراق: با تمرکز بر موضوعات کلیدی و کارگزاران تحول»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، ش ۱۹، تهران: تابستان.
۲۸. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۶). استقلال اقلیم کردستان یعنی تولد ایران دوم؛ سایت فراتاب، ۱۳۹۶/۶/۳۰، www.faratab.com.

ب) خارجی

29. Ataturk. K (1981). Nutuk, Istanbul, C III, V. 220.
30. Benton, w. & Helen H. B. (1974). **Encyclopadia Britannica, 15 EDITION**, Prinedin – U.S.A.
31. Encyclopedia Britannica Anew Surrey of urivers alknowledge (1947).Vol 13, Chicago, London – Toronto.
32. Hepple, Edvard (1986). **The Revival of ceopoltics**, Political Geography Quartrly.
33. International Crisis Group (28 October 2008). “Oil for Soil: Toward a Grand Bargain on Iraq and the Kurds”, **Middle East Report**, No. 80.

